

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ولانتین واسیلسکو* - par Valentin Vasilescu

برگردان از: حمید محوی

۰۷ مارچ ۲۰۱۶

بازسازی ارتش عربی سوریه

Le retour de l'Armée arabe syrienne

ارتش عربی سوریه طی چهار سال اول جنگ می بایستی با سیل مزدوران مسلح خارجی رویارویی کند که به شکل مقدماتی آموزش دیده ولی به جنگ افزارهای مؤثر مجهز بودند. این رویارویی در وضعیتی صورت گرفت که از سال ۲۰۰۵ ارتش عربی سوریه نتوانسته بود تجهیزات نظامی اش را به روز سازی کند. ولی امروز به یمن آموزش از سوی شبه نظامیان ایرانی و تجهیزات مدرن روسی، ارتش عربی سوریه سرزمین هائی را که از دست داده بود باز پس می گیرد و از دو ماه پیش دائماً پیش می رود. اینک ارتش عربی سوریه دوباره به میدان می آید.

شبکه ولتر/بوخارست (رمانی) // ۴ مارچ ۲۰۱۶



پس از پنج ماه حمله هوایی توسط ۷۰ هواپیمای جنگی روسی در سوریه، بسیاری از تحلیل گران نظامی از خودشان می پرسند چرا ارتش عربی سوریه تنها بخش کوچکی از سوریه را از گزند اشغال جهاد طلبان در امان نگهداشت و قادر نبود بخش بیشتری را تحت کنترول خود بگیرد. این تحلیل گران معمولاً وضعیت ارتش عرب سوریه را با ارتش ایالات متحده مقایسه می کنند، یعنی مقایسه ای نابجا، و یادآور می شوند که ارتش امریکا با به کار بستن ۱۸۰۰ هواپیمای جنگی و ۳۸۰۰۰۰ سرباز ظرف ۴۲ روز عراق را اشغال کرد.

دلایل ضعف نظامی ارتش عربی سوریه کدام بوده است؟

طی پنج سال جنگ، مرزهای سوریه با ترکیه، اردن و اسرائیل گذرگاهی بود برای عبور ۱۰۰ ۰۰۰ تا ۲۵۰ ۰۰۰ مزدور مسلح اسلامگرا (که عربستان سعودی، قطر، ایالات متحده و ترکیه آنها را استخدام کرده و آموزش داده بودند). این مزدوران مسلح جهاد طلب با ایجاد چندین جبهه ارتش عربی سوریه را مجبور کردند که در گروه های متعدد کوچک در سراسر کشور پراکنده شود.

در گام اول، عملیات اسلامگرایان به شکل حملات غافلگیرکننده به پادگان های ارتش عربی سوریه و قرارگاه های پولیس صورت می گرفت. واکنش ارتش عربی سوریه نیز با تأخیر و به شکل غیر ماهرانه ای انجام می گرفت و تنها از گروه های تیپ ۱۰۴ گارد جمهوری و چهارمین لشکر موتوری استفاده می کرد. موفقیت مراحل اول حملات گروه های به اصطلاح «شورش» به شکل پی در پی به ویژه به دلیل شناخت نقاط ضعف ارتش عربی سوریه بود. نقشه های آنها را کارشناسان و مربیان نیروهای ویژه ترکیه (بره سرخ ها) و عربستان سعودی طرح ریزی می کردند و هدایت آن را به عهده داشتند.



طی سه سال اول جنگ، ارتش عربی سوریه که تنها برای جنگ کلاسیک یا متعارف علیه همسایگانش آماده و سازماندهی شده بود، هیچ شناخت خاصی از جنگ نامتعارف نداشت، و بدون هیچ تاکتیک مقدماتی، به کار بستن تجهیزات نامناسب بدون ایجاد فضا بین آنها، بدون آتش برای پوشش بین عناصر و تجهیزات، بدون امکانات شناسایی دوست و دشمن و غیره... ارتش عربی سوریه پهباد شناسایی و تصویر ماهواره ای در اختیار نداشت، در حالی که مسلمانان جهاد طلب از اطلاعات ناتو برخوردار بودند. علاوه بر این جهاد طلبان تجهیزات ساختمانی که از پیش آماده کرده بودند در اختیار داشتند، مانند دستگاه حفاری که به آنها اجازه می داد ظرف مدت کوتاهی تونل ایجاد کنند، در حالی که ارتش عربی سوریه هیچ وسیله ای برای ردیابی و شناسایی سنگرهای زیر زمینی که آنها ساخته بودند در اختیار نداشت. عملیات جهاد طلبان به شکل غافلگیرانه صورت می گرفت بی آن که ارتش عربی سوریه بتواند در مقابل یورش توده های تروریست که تا پادگان ها و انبارهای اسلحه و مهمات نفوذ کرده بودند واکنش نشان دهد. در نتیجه، ارتش عربی سوریه حتی از عهده تضمین مقدماتی ترین موازین نبرد و پیشگیری برنمی آمد و قادر نبود از پیش به بهترین شکل با نقشه جنگی در وضعیت جنگی عمل کند.



به یمن پهپادهای شاهد ۱۲۹ ساخت ایران راهکارهای تاکتیکی گروه های تهاجمی ارتش عربی سوریه بهبود یافت و با بهره برداری موفقیت آمیز از آن مانورها به سرعت انجام شد.



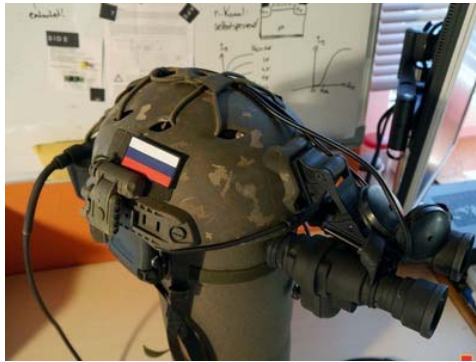
روسیه از آغاز دولت سوریه را به شکل سیاسی و دیپلماتیک پشتیبانی می کرد و به شکل پراکنده اسلحه می فرستاد و نظامیان سوریه را آموزش می داد، ولی در پائیز ۲۰۱۵ کمک روسیه با نقشه صورت پذیرفت و به شکل فوق العاده ای افزایش یافت. ارتش عربی سوریه به سرعت بر سلاح های جدید تسلط یافت. دورانی که طی آن ارتش عربی سوریه مناطقی را فدا می کرد و تنها در جست و جوی حفاظت از شهروندان غیر نظامی در مقابل جهاد طلبان بود، از این پس به پایان رسیده است.

سلاح های انفرادی و تجهیزات حفاظتی

ابتدا، ارتش عربی سوریه به کلاه خود چینی QGF-02 مجهز بود. سربازان گارد جمهوری و نیروهای ویژه جلیقه ضد گلوله TAT-BA-7 در اختیار داشتند. سلاح های انفرادی کلاشنیکوف AK-47 (با نسخه چینی از نوع ۵۶). فقدان دستگاه دید در شب و دوربین با قابلیت جذب نور ضعیف... ضعف های جدی ارتش عربی سوریه را تشکیل می داد.



گرچه سوریه برای تجهیزات مدرن انفرادی در سال ۲۰۰۵ («سرباز آینده») طرح ریزی کرده بود ولی خرید این تجهیزات به دلیل اتهامی که در رابطه با قتل رفیق حریری به سوریه نسبت داده بودند انجام نشد و مشمول تحریم گردید. این تجهیزات شامل دستگاه دید در شب ساخت روسیه (Baighış 6) و تفنگ تهاجمی کلاشنیکوف AK-74M. با آمدن مربیان روسی، اغلب قطعات ارتش عربی سوریه به جلیقه حفاظتی بالیستیک 6B45، کلاه خود Kevlar 6B7 و تفنگ خودکار AK-74M یا AK-104 با دوربین و نارنجک انداز GP-30 مجهز شدند. روس ها ارتش عربی سوریه را به تجهیزات مدرن مجهز کردند مانند دوربین دید در شب، نارنجک انداز ترموباریک AGS-17 (سلاح گرما فشاری)، و نارنجک انداز 6G30 (کالیبر ۴۰ میلیمتری).



سربازان نذیره

طی پنج سال جنگ، ارتش عرب سوریه تلفات سنگینی متحمل شد، حتی بیش از جنگ علیه اسرائیل، بسیاری از تجهیزات نظامی تخریب شد یا به دست جهاد طلبان افتاد، بسیاری از مناطق را جهاد طلبان تحت کنترل خود گرفتند. این موضوع شامل ۷۵٪ از خاک سوریه است. در این مناطق سربازان اسیر و یا شهروندان جمهوری خواه را سر می بریدند. در نتیجه، جایگزین کردن این تلفات سنگین توسط ارتش عربی سوریه (دست کم ۴۰۰۰۰ سرباز یعنی ۱۰٪ توده های نظامی) به سختی امکان پذیر شد. در هر صورت سخت تر از بسیج سربازان در دوران صلح بود. به دلیل ترس از جانشان ۱۳۰۰۰۰ مسمولین خدمت خودشان را معرفی نکردند، به شکلی که تنها ۲۷۰۰۰۰ سرباز زیر پرچم باقی ماند.



در این وضعیت، ارتش عربی سوریه بر اساس منطقه زیر مجموعه های داوطلبان سالمند را سازماندهی کرد. به شکل عمومی، در مناطقی که دائماً مورد حمله شورشیان قرار داشت، گروه های دفاع محلی تشکیل شده بود که در هماهنگی با قطعات حرفه ای ارتش عمل می کردند، این گروه ها به شکل حقیرانه ای مسلح بودند، بدون آموزش بدنی مناسب، بدون تمرین تیراندازی، بدون فرماندهی که در مدارس نظامی حداقل آموزش را دیده باشد و از اصول رزمی حداقل شناخت و تجربه ای داشته باشد. این گروه های دفاع محلی با شور میهن دوستی تغذیه می شدند و تلفات سنگینی را نیز متحمل شدند.



با بهبود وضعیت و اتخاذ موضع تهاجمی، ارتش عربی سوریه برای گروه های دفاع محلی برنامه فشرده ای برای تمرین تاکتیکی در نظر گرفت، و روی چریک شهری با تیراندازی واقعی، راه پیمائی، آموزش آتشکاری و مهندسی متمرکز شد. یک پل هوایی بین دمشق و تهران سازماندهی شد به شکلی که داوطلبان می توانستند توسط بسیجی های ایرانی آموزش ببینند، همان گونه که خود بسیجی ها داوطلب بودند و مثل همیشه مبارزان حزب الله را تشکیل می دهند. برای نخستین بار ایرانی ها نه تنها شیعیان بلکه داوطلبان اهل سنت و مسیحی را آموزش دادند.

عملیات ویژه

نیروهای ویژه سوری در سال های ۶۰ توسط ارتش مصر بر اساس یک برنامه کوماندوئی بریتانیایی برای نظامیان واحد های پیاده نظام سبک اسلحه آموزش دیدند و به عنوان چتر باز شناسائی شدند. ارتش عربی سوریه در آغاز جنگ داخلی ۶ فرقه مستقل از نیروهای ویژه و یکفرقه چتر باز داشت، به انضمام لوائی ۱۰۴ گارد جمهوری. در ماه مه ۲۰۱۴ یک گروه کوماندو به نام « شیرهای محافظ » ایجاد شد، به فرماندهی لشکر ۴ موتوریزه که در شمال سوریه عملیات انجام می داد. در آغاز جنگ تجهیزات واحد های نیروهای ویژه سوری به همان اندازه از دور خارج شده بود که مابقی ارتش عربی سوریه و علاوه بر این کوماندوهای سوری در زمینه جنگ چریکی در مناطق شهری و ضد شورش بی تجربه بودند، مثل بیروت در سال ۱۹۸۲. در این دوران، واحد های کوماندوئی سوری به نارنجک انداز ضد تانک آر پی جی ۷، سامانه راکت ضد تانک 9K111 Fagot و میلان ۱ مجهز بودند و خسارات زیادی به زره پوش های اسرائیلی وارد آوردند.



با آمدن مربیان ایرانی از نیروی قدس (با آموزش و تجهیزات خوب) و مبارزان حزب الله لبنان با تجربیات جنگی بسیار در زمینه جنگ در مناطق شهری به سوریه، وضعیت بهبود پیدا کرد. یادآوری کنیم که نیروهای ویژه ایران توسط هم قطاران امریکائی خود و SBU بریتانیایی در دوران محمد رضا شاه پهلوی آموزش دیده بودند.



کوماندوهای نبرد در مناطق شهری و حزب الله لبنان مسلح به راکت های ضد تانک مدرن (9M113 Konkurs, 9M131 Metis M, 9M133 Kornet)، و نارنجک انداز ضد تانک (RPG 7V, RPG-29) تجربه جنگی بسیار محکمی در تاکتیک های جنگ نامتعارف و جنگ در مناطق شهری، خاصه علیه تانک های مرکوا متعلق به ارتش اسرائیل در سال ۲۰۰۶ به دست آوردند. آنها تاکتیک نوین بسیار مؤثری را در زمینه نبرد علیه تانک ابداع کردند.



با ورود نیروهای عملیات ویژه روسی Spetsnaz (اسپتسناز) همه امور از نو بر اساس عمل و موازین روشن مورد تحلیل قرار گرفت. گرچه ایران برای تجهیزات نیروهای ویژه خیلی سرمایه گذاری کرده است ولی هم پای تجهیزات روسی نیست و به آخرین نسل تعلق ندارد. عکس های جدید نیروهای ویژه سوری آنها را با تجهیزات کاملاً روسی نشان می دهد، با لباس استتار نسوز از نوع چند منظوره، کلاه خود FAST Ops-Core با سامانه دید الکترونیک ضمیمه شده، دستگاه دید در شب، کاگول، جلیقه ضد گلوله و چکمه با کیفیت عالی به علاوه عینک Accuracy international AWM نوعی تفنگ تیرانداز ماهر بریتانیایی (با صدا خفه کن) یا AK-74M مجهز به دوربین یا فاصله یاب لیزری آلفا ۷۱۱۵ و نارنجک انداز خودکار AGS-30، مسلسل پشنگ Pecheneg و غیره. پیشرفت در زمینه آموزش و تجهیزات کوماندوهای سوری با سلاح های مدرن در عملیات جدید برای باز پس گیری جاده خناصر و اثربا، تنها راه تدارکات برای نیروی های دولتی در استان حلب بود که خود را نشان داد.



تیراندازان ماهر

نبرد در مناطق شهری بدون تیراندازان ماهر آموزش دیده و مجهز به تجهیزات رزمی مدرن تصور ناپذیر است. در آغاز جنگ، در نبود نقاط دیدبانی روی ساختمان ها و نبود تیراندازان ماهر، داوطلبان انتحاری می توانستند اهدافشان را انتخاب کرده و خودشان را منفجر کنند، یا با ماشین وارد پاسگاه های ارتش عربی سوریه شوند. ارتش عربی سوریه تیرانداز ماهر کافی نداشت و تنها مدل قدیمی تفنگ دراگانوف با دوربین و DMR (تفنگ چینی کپی شده از روی ام ۱۴ قدیمی ساخت ایالات متحده) در اختیار داشت.



بعداً ایرانی ها ارتش عربی سوریه را با کپی محلی تفنگ دوربین دار اتریشی Steyr HS.50 مجهز کردند، روس ها نیز تفنگ دوربین دار مدرن Orsis T-5000 (کالیبر ۷،۶۲ میلیمتر) و مسلسل دوربین دار KSVK (۱۲،۷ میلیمتر) را تحویل دادند. به ابتکار ایرانی ها و روس ها یک مدرسه برای آموزش تیرانداز ماهر در ارتش عربی سوریه با مربیان لبنانی (حزب الله)، ایرانی ها و روس ها ایجاد شد. تیراندازان ماهر روسی بهترین در جهان هستند، به دلیل سلاح هایشان، فن استتار و مراکز آموزشی شان. کلید واژه برای تیراندازان ماهر سوریه باید چنین باشد: «پنهان ماندن و دیدن بدون آن که توسط دیگران دیده شوند.»



زره پوش ها

طی جنگ اول جهانی وقتی تانک اختراع شد، نقش آن به یمن زره، قدرت آتش و تحرک نفوذ در سدها و خطوط دفاعی دشمن بود. امروز، چنین نقشی با وجود قطعات ضد تانک مجهز به دستگاه های راکتی با هزینه بسیار کمتر از واحد های زرهی و تانک، در نتیجه عملیات در فضائی که از امکانات ضد تانک اشباع شده است خیلی مشکلتر به نظر می رسد. زره پوش هایی که بدون تجسس عمقی در اطراف منطقه عملیاتی و بدون پشتیبانی پیاده نظام برای برقراری نظم می بایستی در مراکز شهر حرکت کنند، ولی در دام غافلگیرانه، زیر آتش نارنجک های دوش برد و راکت های ضد تانک گرفتار می شوند. ده ها هزار دستگاه راکتی ضد تانک ایالات متحده BGM-71 Tow و Milan-2 ساخت فرانسه و آلمان و راکت اندازهای کروات M 79 Osa را به شکل مخفیانه توسط سرویس های اطلاعاتی ترکیه، عربستان سعودی، فرانسه و ایالات متحده به سوریه منتقل کرده اند.



تانک ها و زره پوش های سوریه فاقد پلاک محافظ از نوع زره واکنشی در جلو و روی برجک هستند، و دستگاه ویژه کور کردن گیرنده هدایت راکت ضد تانک یا دستگاه حفاظت فعال با رهگیر برای مقابله با راکت ضد تانک ندارند تا آن را پیش از برخورد با جداره زرهی منفجر کند. به دلیل وجود همین کاستی ها زره پوش های سوریه غالباً با اولین تیر مستقیم سوراخ می شدند. پس از تخریب و یا تحمل خسارت در سطح صدها زره پوش در ارتش عربی سوریه، سرانجام یک پلاک محافظ به بدنه زره پوش جوش کردند و سپس پلاک های حفاظتی از نوع واکنشی برای خنثی سازی ضربات پی در پی را به کار بردند.



با آمدن مربیان روسی به سوریه، آنها یکی از اشتباهات اساسی ارتش عربی سوریه را کارشناسی کردند. اشتباه این بود که ارتش عربی سوریه زره پوش ها و تانک های خسارت دیده خود را در میدان نبرد رها می کرد. روس ها مشاهده کردند که اکثر این زرهی های خسارت دیده را متخصصان نظامی ترکیه تعمیر می کنند و برای استحکامات و توپخانه ثابت برای جهاد طلبان دوباره به کار می برند. در نتیجه، ارتش عربی سوریه یک زیر مجموعه ای برای یدک کشیدن زره پوش ها و تانک های خسارت دیده، به انضمام کارگاه هایی برای تعمیر تجهیزات خسارت دیده ایجاد کرد. در آغاز سال ۲۰۱۶، روس ها تقریباً ۲۰ فروند تانک T-72B3 و T-90 MS به سوریه تحویل دادند که دارای قابلیت حفاظت واکنشی مؤثر در مقابله با راکت های ضدتانک BGM-71 Tow ساخت ایالات متحده است. تانک T-90 MS در ترکیب گروه های پیش ران برای نفوذ در خطوط دفاعی جهاد طلبان به کار بسته شد. بر اساس آنچه در فبروری ۲۰۱۶ نوشتند در حمله به دهکده کوویرا نزدیک حلب مورد استفاده قرار گرفت. با وجود این، اگر تانک های تی ۹۰ وارد ارتش عربی سوریه شده، هزینه آن را ایران پرداخت کرده و خدمه این تانک ها نیز ایرانی هستند.



توپخانه

علاوه بر دستگاه های زرهی که جهاد طلبان از ارتش عربی سوریه به غنیمت می گرفتند، تعداد بسیاری وانت باری دریافت کرده بودند که برای مسلسل، راکت انداز، توپ و سلاح های کالیبر کوچک مناسب بود و تحرک و چابکی خاصی برای عملیات غافلگیرانه به آنها عرضه می کرد. برای خنثی کردن این امکانات در منطقه محدود، به مهمات

هوشمند نیاز بود که ارتش عربی سوریه در اختیار نداشت. روس ها به سوریه دستگاه های شناسائی توپخانه متحرک « PRP-4A Argus » تحویل دادند که می تواند مکان توپخانه و زره پوش های دشمن و به همین گونه محل تجمع گروه ها و تیراندازان منزوی را که آتش گشوده اند کشف و مشخص کند. فاصله به شکل خودکار توسط دو فاصله یاب لیزری انجام می گیرد. علاوه بر این تجهیزات، ارتش عربی سوریه به سکوی پرتاب ترموباریک (کالیبر ۲۲۰ میلیمتری) « Buratino. » TOS-1 مجهز شده است که با حجم پرتاب ۲۴ راکت در ۷،۱۵ ثانیه. سطح پوششی هر شلیک راکت 1 TOS (مترجم با نام مستعار پینوکیو) 400 x 200 متر است.



با رسیدن مربیان روسی به سوریه مسأله تحویل راکت های هدایت شونده لیزری Krasnopol KM-2 مطرح شد. دستگاه عامل دستگاه روشن کردن هدف laser target degsinator را ضروری می سازد، از روی یک زره پوش هدف را تعیین می کند. وقتی در منطقه ۲ کیلومتر در ۱،۶ کیلومتر در اطراف هدف قرار گرفت، دستگاه هدای راکت کراسنوپول با شعاع لیزری به سوی هدف انتخاب شده هدایت می شود.

هواپیمائی

تا پیش از آمدن مربیان روسی، نیروی هوائی سوریه به سلاح های هدایت شونده دقیق مجهز نبود و نمی توانست عملیات پشتیبانی واحد هائی را که روی زمین عملیات انجام می ، تضمین کند. نیروی هوائی به طور کلی از راکت های کالیبر ۵۷ میلیمتری و بمب های FAB-50, FAB-100 از ارتفاع ۱۵۰۰ متری تا ۳۰۰۰ متری استفاده می کرد. در این ارتفاع هواپیماهای سوری برای تیربارهای اسلام گرایان با کالیبر ۲۳ و ۳۰ میلیمتری و راکت های زمین به هوای دوش برد اهداف ساده ای بودند و همین امر تلفات بی شمار نیروی هوائی ارتش عربی سوریه را توضیح می دهد. در این مدت، ۲۱ هواپیمای بمب افکن Su-24MK در ارتش عربی سوریه در کارخانه هواپیماسازی روسی N° 514 ARZ à Rzhev به روز سازی شد با استاندارد Su-24M2 مطابق شد که به دستگاه ناوبری و هدایت سلاح های دقیق (PNS-M) مجهز است، مثل هواپیماهای روسی در پایگاه هوائی حمیمیه. در سال ۲۰۱۵ روسیه موتور و تجهیزات هوائی پیشرفته برای فروند ۶۴ MiG-23BN/MLD به سوریه تحویل داد که با استاندارد-MiG 23BN/MLD تطبیق می کند.



میگ های ۲۳ از تجهیزات OLS-M، از کلاس LANTIRN برای پرواز در شب استفاده می کند، رهگیری ماورای قرمز برای اهداف زمینی و هدایت چندین سلاح هوشمند که توسط بمب افکن های روسی مستقر در سوریه نیز به کار برده می شود. در حال حاضر، هواپیماهای سوخو ۲۴ و میگ ۲۳ متعلق به سوریه می توانند بمباران های دقیقی را در روز مثل شب انجام دهند و در عین حال در ارتفاعی پرواز کنند که از برد راکت های ضد هوایی دوش برد در امان بمانند. هواپیماهای سوری با بمب های نفوذگر مراکز فرماندهی زیر زمینی جهاد طلبان را که به شکل پراکنده در همه جا بر پا کرده اند مورد تخریب قرار دادند. و برای حمله به گروه ها در سطح نیز دیگر نیازی به پرتاب بشکه از هلیکوپتر ندارند، که در هر صورت توسط MANPAD (راکت های ضد هوایی دوش برد) مورد اصابت قرار می گرفت.

لینک متن اصلی در شبکه ولتر :

<http://www.voltairenet.org/article190577.html>



* ولانتین واسیلنسکو. کارشناس نظامی. فرمانده دوم قدیمی پایگاه هوایی اوتوپه (در رمانی)